

<http://dowran.ir/show.php?id=83828149>

مدرس و کمیسیون دفاع از حرمین شریفین

سیدعلی موجانی

از روزی که سیدحسین مدرس برای عضویت در هیأت نظارت بر قوانین دوره دوم مجلس شورای ملی برگزیده شد. 1 تا 16 مهر 1307 ش / 1347 ق که دستگیر و از تهران تبعید شد، 2 تحولات فراوانی در تاریخ سیاسی ایران به وقوع پیوست که مطالعه و بررسی این رویدادها بدون توجه به نقش این شخصیت مبارز کاری عبث و بیهوده است. در این مختصر ما به دنبال ارزیابی عملکرد سیاسی او در صحنه جهان اسلام هستیم. اگر چه امروزه آثار متعددی در خصوص شخصیت مدرس انتشار یافته و نام‌آورانی که خود برخی از حوادث آن عصر را درک کرده اند پیرامون او سخن گفته‌اند، لیکن از بررسی این آثار می‌توان پی‌برد که هنوز ناگفته‌های فراوانی درباره سیدحسین مدرس باقی مانده است. علت این امر چه بوده؟ آیا باید آن را دلیل بی‌توجهی پژوهشگران حوزه تاریخ معاصر دانست؟ یا کمبود اسناد و مدارک را باید به عنوان دلیل برشمرد؟

در تلاشی که نگارنده، به منظور تهیه این پژوهش به عمل آورد، معتقد شد که صرفنظر از کم‌دقتی برخی وقایع‌نگاران، عواملی نیز در کار بوده تا به نحوی مانع از انعکاس ویژگی‌های خاص مدرس در بعضی مقاطع تاریخ معاصر شود. از آن جمله کم‌توجهی به نقش او در کمیسیون دفاع حرمین شریفین است.

اگر برای بررسی و مطالعه مشروح مذاکرات دوره ششم مجلس شورای ملی به یکی از کتابخانه‌های مجلس یا ملی ایران مراجعه کنید، در می‌یابید که جلد نخست مشروح مذاکرات این دوره از سی و پنجمین جلسه (1305/9/8 ش / 24 جمادی الاول 1345) آن عهد آغاز می‌شود. 3 این در حالی است که نخستین جلسه این دوره مجلس در 19 تیر 1305 ش / 30 ذیحجه 1344 ق به ریاست سنی سیدحسین مدرس افتتاح شد. 4 علت چنین امری آیا می‌تواند یک اشتباه ساده باشد؟

برای پاسخ به سؤال فوق باید نخست به بعضی حوادث و وقایع مجلس پنجم بپردازیم که سیدحسین مدرس یکی از 160 نماینده منتخب آن بود. 5 در اواسط عمر مجلس پنجم مردم قفقاز با ارسال عریضه‌ای از تفلیس برای نمایندگان مجلس شورای ملی از ایشان خواستند که با توجه به «جسارت و بی‌ادبی‌هایی که طایفه ضاله وهابی‌ها و رئیس مردود و ملعون آنها ابن سعود نسبت به اماکن متبرکه و مراقد مقدسه نموده است». 6 از رئیس «دولت اسلامی ایران» بخواهند که «پیشقدم شده به سایر دول اسلامی هم که البته وظیفه خود را خوب می‌دانند، کمک فرموده این منبع فساد و دشمن حق و انصاف را ریشه‌کن و خاک پاک را از لوث وجودشان تطهیر فرمایند». 7

در پاسخ به این عریضه، سیدحسین مدرس با بیان مطالبی اهمیت خطری که جهان اسلام را تهدید می‌کند تشریح کرد: «امروز از این واقعه‌هایی که استماع فرموده‌اید، اگر چه به آن درجه که باید اطمینان پیدا شود، نشده است که حادثه از چه قبیل است و تاچه مرتبه است، البته دولت مکلف است تحقیقات کامل بکند و به عرض مجلس برساند لیکن عرض می‌کنم امروز اهل ایران یک قسمت از قسمتهای دول اسلامی است، بلکه می‌توان گفت که قسمت بزرگ دول اسلامی است. باید امروز این جامعه در تمام دنیا خودشان را معرفی کنند ما ملت و دولت ایران قدم بر می‌داریم که این جامعه را حفظ کنیم و خودمان را به برکت این جامعه نگاهداری کنیم... به عقیده بنده تمام فکر را باید صرف اینکار کرد و باید یک قدمهایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است در این مورد برداریم و هیچ کاری و هیچ چیزی را مقدم بر این کار قرار ندهیم... مبدا یک ضرر عظیم‌تری بر ما مترتب گردد و خدای نخواستہ ... از این روزی که هستیم بدتر شود. زیاده بر این چیزی عرض نمی‌کنم». 8

هدف از این بیانات در حقیقت، تشریح وضعیت حجاز آن زمان بود. در آن هنگام جنبش وهابی به رهبری ابن سعود که خود را «ملک نجد و حجاز» می‌نامید برای تصرف شهرهای مقدس مکه و مدینه به محاصره این دو شهر پرداخته بودند و حتی با زیر پا نهادن حرمت اماکن مقدس و حرمین شریفین، به سوی این اماکن مقدس در جهان اسلام تیراندازی کردند، به حدی که بعضی از مقابر صحابه رسول خدا و مساجد و مقابر ائمه شیعه ویران شده بود. 9

سیدحسین مدرس در این جلسه با پیش کشیدن بحث قومیت و عوامل بقا، شرافت و ترقی اقوام، با مخاطب قرار دادن جهان اسلام گفت: «از امروز بهتر کیست که آن لواء را بردارد و بگوید، در این موقع من لواء اسلام را بر می‌دارم و این قوم (مسلمان) را در تحت قومیت و تحت جامع دیانت اسلامی، قومیتشان را ترقی می‌دهم و حفظ می‌کنم». 10

مدرس آنگاه پیشنهاد می‌کند که مجلس ایران با تشکیل کمیسیونی این موضوع را دنبال کند. 11

در پاسخ به این عریضه، سیدحسین مدرس با بیان مطالبی اهمیت خطری که جهان اسلام را تهدید می‌کند تشریح کرد: «امروز از این واقعه‌هایی که استماع فرموده‌اید، اگر چه به آن درجه که باید اطمینان پیدا شود، نشده است که حادثه از چه قبیل است و تاچه مرتبه است، البته دولت مکلف است تحقیقات کامل بکند و به عرض مجلس برساند لیکن عرض می‌کنم امروز اهل ایران يك قسمت از قسمتهای دول اسلامی است، بلکه می‌توان گفت که قسمت بزرگ دول اسلامی است. باید امروز این جامعه در تمام دنیا خودشان را معرفی کنند ما ملت و دولت ایران قدم بر می‌داریم که این جامعه را حفظ کنیم و خودمان را به برکت این جامعه نگاهداری کنیم... به عقیده بنده تمام فکر را باید صرف اینکار کرد و باید يك قدمهایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است در این مورد برداریم و هیچ کاری و هیچ چیزی را مقدم بر این کار قرار ندهیم... مبدا يك ضرر عظیم‌تری بر ما مترتب گردد و خدای نخواستہ ... از این روزی که هستیم بدتر شود. زیاده بر این چیزی عرض نمی‌کنم.» 8

هدف از این بیانات در حقیقت، تشریح وضعیت حجاز آن زمان بود. در آن هنگام جنبش وهابی به رهبری ابن سعود که خود را «ملك نجد و حجاز» می‌نامید برای تصرف شهرهای مقدس مکه و مدینه به محاصره این دو شهر پرداخته بودند و حتی با زیر پا نهادن حرمت اماکن مقدس و حرمین شریفین، به سوی این اماکن مقدس در جهان اسلام تیراندازی کردند، به حدی که بعضی از مقابر صحابه رسول خدا و مساجد و مقابر ائمه شیعه ویران شده بود. 9

سیدحسین مدرس در این جلسه با پیش کشیدن بحث قومیت و عوامل بقا، شرافت و ترقی اقوام، با مخاطب قرار دادن جهان اسلام گفت: «از امروز بهتر کیست که آن لواء را بردارد و بگوید، در این موقع من لواء اسلام را بر می‌دارم و این قوم (مسلمانان) را در تحت قومیت و تحت جامع دیانت اسلامی، قومیتشان را ترقی می‌دهم و حفظ می‌کنم.» 10

مدرس آنگاه پیشنهاد می‌کند که مجلس ایران با تشکیل کمیسیونی این موضوع را دنبال کند. 11

تقریباً مقارن همین ایام تلگرافی از مدینه برای علمای عراق رسید و در آن خبر هدم اماکن متبرکه مدینه را می‌داد. 19

آیات عظام در عراق درس و نماز جماعت خود را تعطیل کرده و در هیجانات بر ضد وهابی‌ها شرکت جستند. انعکاس وقایع مجلس ایران در هند نیز مؤثر واقع شد. شوکت علی منشی افتخاری کمیته مرکزی خلافت هند در مراسله‌ای برای زعمای ایران چنین نگاشت

اینک در هر کشوری اسلامی مرد توانای نیرومند شجاع متدینی سکان کشتی ملک را در کف گرفته و آنرا به سوی مقصد جلال و شکوه سوق می‌دهد. واقعاً وقتی که چنین مطالب و تفصیل خوبی راجع به برادران ایرانی خود می‌شنویم و مشاهده می‌کنیم که رخوت دیرین را از سر برون نموده و حاضر شده‌اند برای ترقی وطن به هرگونه فداکاری قیام نمایند، مسرت و خوشوقتی ما به وصف نمی‌گنجد... عنقریب... کنفرانسی از مسلمین دنیا تشکیل خواهیم داد و برای اینکه حجاز مقدس سرچشمه نور و تربیت اسلامی گردد و آخرین علائم و امارات نفوذ غیر اسلامی از آن محو شود از جمیع ممالک اسلامی دعوت خواهیم کرد که نمایندگان مسؤول خود را برای حضور در آن گسیل دارند... ما می‌خواهیم يك جمهوری اسلامی از حجازیان منتخبه با کمک و مساعدت و مشورت موتمن (کنفرانس) اسلامی اداره امور داخلی عادی را بچرخاند.» 20

اما متأسفانه پیش از آنکه این تلاش همه جانبه به نتیجه منتهی گردد، وهابی‌های نجد پیشدستی کرده به منظور کاستن از عواقب اعتراضات مسلمانان پیشنهاد تشکیل کمیسیونی را برای تعیین امور سیاسی - دینی حجاز دادند، «از قرار نشریات تمام جراید عربی امیر نجد از دولت علیه ایران و علمای ایران دعوت نموده است که برای شرکت در تعیین امور حکومتی سیاسی و دینی حجاز نماینده گسیل دارند.» 21

نماینده سیاسی ایران که برای ارزیابی اوضاع سیاسی حجاز عازم آن سرزمین می‌شود در گزارش خود برای مقامات مافوق، به حضور نمایندگان ایران در این کنفرانس نظر مساعد می‌دهد. حبیب‌الله هویدا، عین‌الملک - که پدر امیرعباس هویدا و از مبلغین مذهب بهایی بود - می‌نویسد: «هر چند فرستادن نمایندگان برای دولت مخارج زیادی دارد ولیکن این مخارج در مقابل منافع معنوی و مادی دولت علیه [!] که بایستی محفوظ بماند قابل ذکر نیست.» 22

او ظاهراً باب گفتگو را نیز با سلطان نجد عبدالعزیز هموار می‌سازد؛ 23 به طوری که عبدالعزیز طی نامه‌ای برای نماینده‌اش در شام، از او می‌خواهد که به دولت ایران اطلاع دهد: «حکومت نجد تصدیق می‌نماید که آینده حجاز به دست عالم اسلامی باید تصفیه گردد و امیدوار است حکومت ایران عضو مهم مجلسی خواهد شد که برای اینکار منعقد خواهد گردید.» 24

دو دیدگاه مشخص در میان رجال سیاسی آن عهد ایران به چشم می‌خورد. گروهی که سیدحسین مدرس در رأس آنها است خواهان اجتماع نمایندگان دول مسلمان به منظور حفظ حرمین شریفین و مقابله با اقدامات وهابی‌ها در حجاز هستند و گروه دوم که در رأس ارکان اداری - سیاسی کشور قرار داشتند از نظر هویدا به جهت اعزام نماینده‌ای به کنفرانس خلافت اسلامی که توسط وهابی‌ها برگزار می‌شد، جانبداری می‌نمودند. گروه اول حتی حاضر به شناسایی وهابی‌ها نبودند در حالی که دسته دوم باب مکاتبه و مراوده با ایشان را نیز گشوده بودند. این رویارویی می‌رفت تا آشکارا به نفع مجلسیان تمام شود لیکن متأسفانه دوره پنجم قانونگذاری در ساعت 3/5 بعداز ظهر پنجشنبه 1304/11/22 به اتمام رسید و روزنامه ناهید درباره‌ی پایان این دوره‌ی مجلس نوشت

انالله و انالیه راجعون ... در و دولان و اثاثیه و مخازن مرحوم مطابق وصیت از طرف متولی باشی دوم آقای ارباب» کیخسرو مهر و موم شد. رحمة‌الله علیه برحمة‌واسعه» 25

این حادثه سبب شد تا عملاً از امکان فعالیتهای مدرس کاسته شود و متأسفانه به دلیل سانسور شدید مطبوعات و فقدان اسناد و مدارک لازم طی این دوره فترت، ارزیابی و قضاوت آن چه رخ داده است با مشکل روبرو می‌گردد. پاره‌ای اسناد پراکنده موجود در آرشیو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مبین این واقعیت است که ظاهراً

مخالفت مدرس با حضور در کنفرانس خلافت اسلامی شدت گرفته و همین امر سبب تردید شیعیان برخی از کشورهای دیگر نیز گشته بود. 26 با انتشار فتوای جمعی از علمای وهابی دایر بر وجوب ویرانی قبور و عدم زیارت اماکن مقدسه و 27 انعکاس آن به ایران 28 موجی از خشم و نفرت جهان اسلام را فراگرفت و سبب شد تا بسیاری از کشورهای مسلمان به دعوت مدرس از حضور در کنفرانس چشم پبوشند. «بنده تصور نمی‌کنم که اجتماع حقیقی از طرف ملل و دول اسلامی بشود مثلاً از سوریه تا به حال هنوز جواب به او (ابن سعود) نداده‌اند و گمان نمی‌رود کسی برود مگر اینکه از سوریه‌هایی که در مکه هستند در انجمن حاضر شده ... از عراق و فلسطین و الجزایر و ریف و تونس و ترکیه و افغان و غیر هم هیچ‌آثاری نیست.» 29

ولی با تلاش‌هایی که صورت گرفت کنگره خلافت در اول ذیقعه 1344 ق / 13 مه 1926 با حضور گروهی اندک آغاز شد. 30 در جلسه دوم شیخ خلیل خالدي قاضي القضاة سوریه پیشنهاد کرد در خصوص ارتباط و اتصال با سایر کشورهای مسلمان خصوصاً ایران مذاکره شود. 31 اما هنوز کنگره در جریان بود که علمای نجف اطلاع دادند وهابیون به بقیع حمله نموده‌اند، «منبعد معلوم نیست چه شده با حکومت مطلقه چنین زنادقه وحشی به حرمین اگر از دولت علیه و حکومت اسلامیة علاج عاجل نشود علی‌الاسلام السلام.» 32

در نتیجه این خبر جمعی از علمای تهران از جمله مدرس با تشکیل جلسهای در منزل امام جمعه خوی تصمیم گرفتند تا کمیسیوني برای رسیدگی به وقایع پیش آمده در محل مجلس با حضور سیدحسن مدرس، امام جمعه خوی، امام جمعه تهران، بهبهانی، آیت‌الله‌زاده خراسانی، حاج‌میرزا محمدرضا کرمانی، مستوفی‌الممالک، و نوق‌الدوله، محتشم‌السلطنه، مشیرالدوله و احتشام السلطنه تشکیل شود و با بررسی پرونده‌های موجود در وزارت خارجه و دفتر شاه تصمیمات لازم در این خصوص اخذ شود. 33 نخستین جلسه این کمیسیون روز بعد تشکیل شد. 34 و در این جلسه است که مدرس به مستوفی‌الممالک پیشنهاد می‌کند تا در این شرایط حساس عهده‌دار مقام ریاست وزراء گردد. 35

تصمیم مهم دیگر کمیسیون تکلیف صدور ابلاغیه‌ای به وزارت دربار بود که تمام بخشهای وزارت امور خارجه را مکلف می‌کرد تا تمام امور مربوط به حرمین را تنها پس از اطلاع کمیسیون مجری دارند. 36

همچنین مقرر شد تا نام کمیسیون به کمیسیون دفاع از حرمین شریفین تبدیل شود و از مخبرالسلطنه، مستشارالدوله و ممتازالدوله نیز برای حضور در جلسات دعوت به عمل آید. 37

دولت وهابی در واکنش نسبت به اقدامات کمیسیون فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرد. «شیخ رشید رضا صاحب امتیاز مجله المنار شرح مفصلي در روزنامه‌های مصر منتشر و از دولت علیه ایران به زندقه یاد کرده و در مقابل این خدمت 4000 لیره طلا دریافت نموده به مکه معظمه متوجه شد و الان مجلس درس مفصلي در صحن کعبه معظمه دایر کرده اراده‌ی ابن سعود را به دست گرفته است.» 38 روی تند این تبلیغات بیشتر متوجه جناح مذهبی ایران به رهبری مدرس بود چرا که بررسی اسناد نمایانگر این حقیقت است که روابط دربار پهلوی و ابن سعود کاملاً دوستانه بوده است، «در موقع تاجگذاری بندگان اعلیحضرت قوی شوکت همایون شاهنشاهی ابن سعود تلگراف تبریک عرض نموده بود اولیای دولت علیه به جای اینکه جواب آن را توسط وزارت جلیله امور خارجه یا به توسط دربار به سلطان نجد مخابره فرمایند، آقای عین‌الملک (هویدا) را با مأموریت رسمی به مکه اعزام فرمودند که مراتب محظوظیت خاطر مهر مظاهر همایونی را به ابن سعود ابلاغ نماید.» 39

تردید در بین رجال سیاسی ایران برای اتخاذ یک موضع اصولی پیرامون این واقعه هر آن شدت پیدا می‌کرد. کمیسیون به رهبری مدرس با تحت فشار قرار دادن مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء او را واداشت تا به انتشار اعلانی تحت عنوان «به اهالی مملکت و عموم مسلمین اعلام می‌شود اعتراض رسمی دولت خود به اقدامات وهابی‌ها را آشکار نماید. دولت در این اعلامیه از تمام ملل اسلامیة تقاضا می‌کند که در یک تجمع عمومی ملل اسلامی مقررات حرمین شریفین را حل و تسویه نمایند.» 40

هیأت علمیه نجف که به موازات کمیسیون حرمین شریفین تشکیل شده بود در این زمان با ارسال تلگرافی برای سیدحسن مدرس و دیگران ضمن انزجار از عملیات وهابی‌ان آمادگی خود را برای حفظ نوامیس اسلام اعلام می‌نماید. 41 مدرس در پس این وقایع با برگزاری مجلسی در مسجد مروی تهران بر منبر رفته شرح مبسوطی از فجایع و عقاید سخیفه وهابی‌ها داده خواهان اتحاد جامعه اسلامی می‌شود. 42 با افتتاح دوره ششم قانونگذاری و علیرغم مشکلات داخلی موجود کماکان فکر و ذهن مدرس و اطرافیانش پیگیری موضوع حرمین شریفین می‌باشد. بهبهانی در سخنان پیش از دستور خود با اشاره به بی‌توجهی ملل مسلمان نسبت به تهدیدات کفار چنین نتیجه می‌گیرد تا کی بی‌حالی، تا کی بی‌اعتنایی، تا کی مسامحه ... قلوب هر یک از مسلمانان ایرانی را مملو از خون ... (کرده‌اند) ... می‌خواهند یک صفوف جدیدی به ملل اسلامی ... بیفزایند ... ایران که هم از نقطه نظر سیاسی و هم از نقطه نظر مذهبی از جمیع فرق اسلام بایستی علاقمندتر باشد در چه حال است؟ آقا بالاسرها، قیم‌ها، متول‌ها، سیاست‌مدارها، صاحب‌اختیارها، بالاخره آنها که همیشه خود را همه چیز و دیگران را ناچیز می‌شمارند در این موقع مهم سیاسی و دیناتی، در این موقع حیاتی در این مدت مدید (تقریباً یکسال) چه کرده‌اند؟ جمعی مشغول تکذیب، جماعتی بی‌خیال، چند نفر مشغول کار، ولی چه کار؟ نشستند و گفتند و برخاستند از هر کس پرسیدم گفتند مشغول مذاکره هستیم خلاصه تاکنون چه کرده‌اند؟ حرف زده‌اند. حرف خالی و بی‌فایده» 43

او سپس پیشنهاد مذاکره با نمایندگان کشورهای اسلامی را برای انعقاد یک کنفرانس بین‌المللی می‌دهد تا در آن آینده سیاسی حجاز مشخص شود، و پیشنهادی با فید 2 فوریت را تقدیم مجلس می‌کند. این پیشنهاد در واقع قانونی کردن کمیسیون، دفاع حرمین شریفین است. لیکن پیشنهاد او با عکس‌العمل شدید رئیس‌الوزرا و بعضی از

نمایندگان روبرو می‌شود. بررسی نسخه منحصر به فرد دستنویس مذاکرات مجلس روشن می‌سازد که در این زمان سانسور شدیدی بر مطبوعات اعمال می‌شده است، «... نظمیه حتی نطق وکلا را سانسور می‌کند و نمی‌گذارد در روزنامه‌ها نوشته شود نظمیه فقط کارش این است که اداره سانسور درست کند که هر چه نوشته می‌شود سانسور بکند.»⁴⁴

سرانجام بر اثر «تعقیب مذاکرات قبل از دستور» و پافشاری اعضای کمیسیون، پیشنهاد بهبهانی با امضای 22 تن از جمله مدرس به عنوان ماده واحده در مجلس مطرح می‌شود، علیرغم مخالفت بعضی نمایندگان که آیا کمیسیون توانایی انجام اقدامی عملی را دارید یا خیر؟ مدرس در دفاع از ماده واحده می‌گوید: «عقیده ما این است، که از برای مملکت ایران خیلی نافع است سیاستاً و عظمتاً، و باید درصدد انجام آن مسأله برآیم که به عبارت اخری مرکزیت دادن ایران است به جهت این مسأله ما همه شرکت داریم لکن ایران که دولت بزرگ اسلام است برای مرکزیت دادن به این مسأله که منظور نظر تمام است، البته مجلس شورای ملی آن احق و اولی است که در این مسأله شرکت کند... اما نمی‌توانم بگویم این مسأله به این بزرگی نتیجه اش یک ماه دو ماهه یک ساله می‌شود، مسأله به قدری بزرگ است که باید یکسال و دو سال هم تعقیب کرد تا انشاءالله الرحمن (نا امید نیستم) نتیجه خوبی بگیریم.»⁴⁵

اسناد و مدارک ناقص موجود حکایت از آن دارد که این ماده واحده به تصویب رسید اما ظاهراً فشار زیادی بر این جناح مجلس وارد آمد به طوری که تقریباً یکماه پس از این مدرس در راه مدرسه سپهسالار [شهید مطهری] ترور شد. [1305/8/7] و اگرچه از این توطئه جان سالم به در برد اما نتوانست لااقل در 10 جلسه مجلس حضور یابد.⁴⁶ پس از این واقعه متأسفانه فقدان اسناد و مدارک سبب شده تا دیگر اطلاعی از نتیجه اقدامات کمیسیون و فعالیتهای مدرس در اختیار نداشته باشیم

تنها یک سند که تاریخ تقریبی آن سال 1345 ق / 1305 ش است تا حدی فشار حاکم بر جناح مدرس را روشن می‌کند. در این سند میرزا مهدی زنجانی از یکی از تجار (تهران) می‌خواهد تا پیام او را به مدرس ابلاغ کند که، «چنانچه یک اقدامی از طرف دولت ایران نشود اسباب سرشکستگی مسلمین و موجب تولید مفاسد خواهد شد این کاغذ را به شما محرمانه نوشتم ... شهدا... تعالی می‌ترسم این قضیه (حمله وهابی‌ها) تعاقب شود و بالمره موجب تباهی مسلمین شود.»⁴⁷ مدرس در حاشیه این نامه تنها به نگارش بیتی بسنده می‌کند که خود نشانگر دشواری‌های موجود و مسایل پشت پرده می‌باشد؛ از قیامت خبری می‌شنوی/ دستی از دور بر آتش داری»⁴⁸

فصلنامه تاریخ روابط خارجی

نشریه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، سال دوم، شماره 9

یادداشت‌ها

1. در این خصوص نگاه کنید به: مدرس و مجلس، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی 1373، صص 21 - 22 و علی مدرس، از پنجره اسناد بر منظر تاریخ، مجله مجلس و پژوهش، سال 2، شماره 13، دی و بهمن 1374، صص 163 - 164.

2. محمد گلبن، مدرس در تاریخ و تصویر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1367، ص 104.
3. در این خصوص نگاه کنید به: مدرس و مجلس، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی 1373، صص 21 - 22 و علی مدرس، از پنجره اسناد بر منظر تاریخ، مجله مجلس و پژوهش، سال 2، شماره 13، دی و بهمن 1374، صص 163 - 164.

4. اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره 24 قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا در 7 دوره تقنینیه، به کوشش عطاءالله فرهنگ‌قهرمانی، بی‌جا، بی‌تا، ص 75

5. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال 1302 ش، کارتن 230، دوسیه 1.

6. پیشین، سال 1304 ش، کارتن 30، دوسیه 1/1.

7. پیشین، همانجا.

8. مشروح مذاکرات مجلس مورخ 8 شهریور 1304 ش.

9. در خصوص چگونگی قدرت یافتن وهابی‌ها نگاه کنید به: صلاح‌الدین المختار، تاریخ المملكة العربیه السعودیه فی 9. ماضیها و حاضرها، دارالمکتبه الحیاه بیروت، ج 2، صص 143 - 157
10. مشروح مذاکرات مجلس مورخ 8 شهریور 1304 ش.
11. پیشین، همانجا.
12. عبدالعلی باقی، مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، انتشارات گواه قم، 1370، ص 78.
13. باقی، همان کتاب، ص 129.
14. ایضاً، همانجا.
15. تلگراف 1925/9/6 م به ولیعهد، مجلس شورای ملی و... بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال 1304 ش.
16. کارتن 30، دوسیه 1/3
17. مقاله ایران امروز مشاهد مقدسه اعتراض شدید ملت، مندرج در دیلی تلگراف مورخ 22 دسامبر 1925، به نقل از: رستاخیز ایران، گردآورنده فتح الله نوری اسفندیاری، سازمان برنامه، صص 233 - 234
18. ر. ک به مشروح مذاکرات مجلس مورخ 8 شهریور 1304 ش.
19. مشروح مذاکرات مجلس مورخ 23 شهریور 1304 ش.
20. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال 1304، کارتن 30، دوسیه 1/2.
21. مراسله 14 سپتامبر 1925، کمیته مرکزی خلافت، پیشین، دوسیه 1/3.
22. گزارش فوری نمره 126، مورخ 20 عقرب 1303، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال 1303 ش، کارتن 65.
23. دوسیه 14
24. پیشین.
25. صلاح‌الدین المختار، همان کتاب، ج 2، صص 325 - 326.
26. مراسله 31 جمادی‌الاول 1343 ق سلطان نجد، سند شماره 2.
27. روزنامه ناهید، سال 5، شماره 46، مورخ 1304/11/24، ص 2.
28. عربیه 27 اسفند 1304 به نمره 462 انجمن شیعیان هند، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال 1305، ش. کارتن 30، دوسیه 3/4.
29. روزنامه ام‌القری، مکه، مورخ 17 شوال 1344 ق.
30. مراسله فوری سفارت ایران در مصر به نمره 362، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال 1305 ش، کارتن 30.
31. دوسیه 3/6
32. گزارش نمره 19 مورخ 1305/2/8، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، پیشین، همانجا.
33. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، ایضاً.
34. روزنامه السیاسته 8 ذیقعه 1344 ق.
35. حمید نیری، زندگینامه مستوفی‌الممالک، انتشارات وحید، 1369، ص 440.
36. پیشین، همانجا.
37. روزنامه شفق سرخ، شماره 521، مورخ 1305/3/13، ص 2.
38. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، نشر ناشر، 1362، ج 4، ص 95.
39. مراسله نمره 1296 مورخ 16 خرداد 1305 ش، وزارت دربار پهلوی، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال 1305، ش. کارتن 30، دوسیه 305، سند 3
40. روزنامه شفق سرخ، شماره 523، ص 2، مورخ 1305/3/16.

38. گزارش نمره 4 مورخ 1305/4/31، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه سال 1305 ش، کارتن 30، دوسیه 6.
- پیشین، همانجا 39.
- اعلامیه اول تیرماه رئیس‌الوزراء، سند 4. 40.
- تلگراف 1305/5/31 ضمیمه راپورت 1305/6/1، نمره 311، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه سال 1305، کارتن 41.
- 30، دوسیه 3/7.
- روزنامه خلق (ناهید)، سال اول مورخ 1346/6/10، ص 3. 42.
- نسخه دستنویس مشروح مذاکرات دوره ششم قانونگذاری موجود در اداره قوانین و مقررات مجلس شورای اسلامی، جلسه 1305/6/31 در اینجا لازم است از همکاری‌های صمیمانه آقایان بندعلی و قره‌باغی مسئولین کتابخانه شماره 2 و اداره قوانین و مقررات مجلس شورای اسلامی سپاسگزاری نمایم و از خداوند متعال توفیق خدمت هر چه بیشتر این عزیزان را مسئله نمایم.
- پیشین، جلسه مورخ 1305/7/5 ش. 44.
- پیشین، جلسه مورخ 1350/7/10 ش. 45.
- محمد گلبن، همان کتاب، صص 86 - 88. 46.
- مدرس و مجلس، همان کتاب، صص 172 - 173 و مدرسی، همان مقاله، صص 172 - 175. 47.
- پیشین، همانجا 48.

این مطلب تاکنون 2509 بار نمایش داده شده است